واکاوی راههای توسعه جوامع جهان سوم از رهگذر اشاعه حق بایسته آموزش به عنوان رکن توسعه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نظام آموزشی و توسعه ملی

تعلیم و تربیت از جمله پدیده‌های اجتماعی است که همکاری بی دریغ آحاد جامعه را ایجاب می‌کند. هر انسانی به عنوان یک فرد از جامعه امروز حق دارد که از تربیت مناسب و متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بهره‌مند گردد. همچنین برای توسعه همه جانیه نیازمند تربیت فراگیرانی هستیم که خلاق، ژرف اندیش، جستجوگر، پرسشگر و ... باشند. در این راستا شناخت روندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه به منظور روشن ساختن چشم‌اندازها و دورنماهای سیاست‌گذاری و آینده‌نگری علمی الزامی است[۱].

از نظر جامعه شناختی، رابطه نظام آموزشی با توسعه از آن جهت قابل بررسی است که توسعه واقعیتی است فراهم آمده از مجموعه کنش‌های عقلانی و منطقی افراد جامعه و در این میان آموزش عامل بسیار مهمی است. زیرا به وسیله آن می‌توان به عقلانی کردن اعمال و بهینه کردن رفتار انسان‌ها پرداخت و از دستاوردهای علمی و فرهنگی بشر در طول تاریخ استفاده کرد. همچنین در این ارتباط باید به ساختار آموزشی و نوع نظامهای آموزشی نیز توجه کرد، نظام آموزشی در هر کشور می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر بازدهی آموزشی آن کشور داشته باشد؛ چرا که این نظام‌ها با به کارگیری برنامه، اهداف، اصول و سیاستهای آموزشی مختلف، تأثیر متقاوتی از خود به جای می‌گذارند.[۲] بدین ترتیب آموزش و پرورش مناسب، مهمترین عامل در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است[۳] و سطوح مختلف توسعه نیز به نوبه خود منجر به توسعه آموزشی و پرورش می‌گردند.[٤]

واکاوی ادبیات موضوع

ارتقای کیفیت آموزشی هدف متعالی نظام‌های آموزشی است. از یک طرف، حساسیت امر آموزش و فرایندهای آموزشی توجه به بهبود کیفیت آموزش و در نهایت بهبود کارآیی و ثمربخشی سیستم آموزشی کشور را مورد تأکید قرار می‌دهد و از طرف دیگر، هر جامعه‌ای برای رسیدن به توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نیازمند

---

[۱] گودرزی، محمدعلی. ۱۳۸۵، مطالعه و طراحی نظام برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای، ص ۹
[۲] چلبی، مسعود؛ ۱۳۸۵؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش؛ ص ۲۸
[۳] مالاسیس، لوئیس؛ ۱۳۷۷، آموزش برای توسعه؛ مترجم: اسدالله زمانی پور؛ ص ۱۹
[٤] چلبی، مسعود؛ ۱۳۸۵؛ ص ۳٤ –
Myrdal . G , 1967 . economic theory under developed region . new york : pantheon , p 186

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آموزش و پرورش کارآمد است. یکی از ابعاد کارآمدی نظام آموزشی در هر کشور برنامه‌ریزی است، که بسته به نوع نظام‌های آموزشی، شیوه برنامه‌ریزی، سیاست اداری و تعیین خط مشی‌ها تغییر می‌کند. در سال‌های اخیر انجام تحقیقات علمی در زمیته نوع برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف نظام‌های آموزشی، اطلاعات ارزش مندی برای تصمیم‌گیری در خصوصی تعیین نظام آموزشی مناسب فراهم می‌آورد. لذا کشورهای مختلف با توجه به اهداف و برنامه‌های آموزشی خود و دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار، در جهت تمرکززدایی نظامهای قدیمی آموزشی خود گامهای بلندی برداشته‌اند.

شایان توجه است که «تمرکززدایی» به معنای انتقال قسمتی از اختیارات از سطوح بالای سازمان به سطوح اجرایی به متظور تسریع در تصمیم‌گیری، ایجاد تنوع متناسب با شرایط و الزامات صرفه جویی در امکانات و منابع است. به عبارت دیگر تمرکززدایی با تقویض اختیار رابطه مستقیمی دارد. از دلایل تمرکززدایی در نظامهای آموزشی: پیچیده‌تر شدن وظایف، بزرگتر شدن حوزه فعالیت ها، تنوع نیازها، مشکلات اجتماعی و ... است که با بزرگتر و پیچیده‌تر شدن نظامهای آموزشی، برخی نظامهای آموزشی متمرکز دست به تمرکززدایی زده‌اند. بدین صورت که برخی اختیارات و تصمیم‌گیریها را به رده‌های پایین تر تقویض کرده‌اند تا کارها با سرعت و سهولت و کیفیت بالاتری انجام شوند.[۵]

در واقع تمرکززدایی از یک نظام آموزشی مفهومی گسترده‌تر از تقویض اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها دارد. این امر در یک نظام آموزشی موقعی مفید و مؤثر خواهد بود که فضای مناسبی برای تغییرات ساختاری، اعتقاد واقعی به تقویض اختیارات به مردم و با ارزش شمردن و احترام به نظرات و ایده‌های کار کنان آموزشی، دانش آموزان و والدین، اعتماد به تواناییها و مهارتهای تخصصی در استان‌ها و ایمان به اصل مشارکت مردم در کارها وجود داشته باشد. از آنجا که نظام آموزشی اثر علّی بر توسعه علمی جامعه دارد، این تأثیر از طریق دخالت «نوع نظام آموزشی» از حیث میزان تمرکز / عدم تمرکز بر بازدهی آموزشی، قابل ردیابی است. از این رو می‌توان از سه نوع نظام آموزشی یاد کرد: نظامهای متمرکز، نظامهای نیمه متمرکز و نظام‌های غیرمتمرکز.[۶]

---

[۵] یار محمدیان، محمدحسین و همکاران؛ ۱۳۸۱؛ امکان سنجی و راهکارهایی برای غیرمتمرکز کردن نظام آموزشی و تفویض اختیارات، نشریه دانش شماره ۱٤، ص ۳

[۶] شیرازی، علی؛ ۱۳۸۵؛ مقدمات مدیریت آموزشی؛ ص ۹٦

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

- نظام آموزشی متمرکز : دهه‌های میانی قرن بیستم شاهد دو نوع برنامه ریزی متمرکز، برگرفته از نظام سوسیالیستی و برنامه ریزی غیر متمرکز، ناشی از نظام کاپیتالیستی بوده است. در نظام متمرکز، معمولاً برنامه ریزی برای کل سیستم یا سازمان و یا کشور به صورت یکسان انجام میگیرد و برای اجرا به کلیه واحدهای تابعه ابلاغ می‌گردد. از نگاه دیگر، برنامه‌ریزی متمرکز به آن نوع برنامه‌ریزی‌هایی اطلاق می‌شود که یک گروه مشخص و متخصص بر موضوع، برای افراد تحت آموزش، تهیه و تنظیم و در این نظام، به برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس هر کشور، به خصوص در سطوح ابتدایی و راهنمایی و متوسطه، به صورت متحدالشکل تهیه وتنظیم و برای اجرا به مدرسه‌ها ابلاغ می‌شود.[۷] در واقع تمامی اختیارات مربوط به تدوین برنامه‌ها و اهداف آموزشی در دست نهاد آموزش و پرورش یک کشور قرار دارد. به گونه‌ای که برنامه‌های آموزشی برای تمام مدارسی یک کشور به ویژه در سطوح ابتدایی و متوسطه به صورت مشابه و یکسان تهیه و تنظیم می‌شود و برای اجرا به مدارسی ابلاغ می‌شود و مقتضیات اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی متاطق مختلف نادیده گرفته می‌شود. ضمناً تحقیق و بررسی و تصمیم‌گیری درباره برنامه‌ها و مواد آموزشی، روش‌های تدریس و تألیف کتابهای درسی و حتی خط مشی‌های اجرایی و مقررات اداری و آموزشی از مسائلی است که معمولاً متخصصان مربوط در سازمان‌های مرکزی کشور آنها را به عهده دارند و در مناطق محلی کمتر می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد. بدین ترتیب کتاب‌ها و مواد درسی به صورت متحدالشکلی برای هر درسی در هر یک از مقاطع تحصیلی تهیه و برای تمام مدارسی کشور فرستاده می‌شود. [۸]

در حقیقت برنامه‌ریزی در نظام متمرکز همواره از سطوح بالا شروع و برای اجرا به سطوح پایین ترابلاغ میشود. در این نظام مجریان حقیقی برنامه‌های آموزشی: یعنی مدیران، معلمان و دانش آموزان دخالتی در جریان تصمیم‌گیریهای مهم آموزشی و اداری ندارند و راه ارتباط و تبادل نظر بین برنامه ریزان در سطح بالاتر و مجریان حقیقی برنامه‌ها در سطوح پایین تر تقریبا مسدود است و امکان طرح مسائلی و مشکلات اجرایی و ارائه راه حل‌های مناسب و ممکن از طرف مجریان برنامه‌های آموزشی به خصوصی از طرف معلمان و دانش آموزان که از نزدیک با مسائل و مشکلات و همچنین نقاط قوت و ضعقب برنامه‌های آموزشی آشنایی و درگیری مداوم دارند وجود ندارد. امتحانات با نظارت مستقیم مقامات مرکزی برگزار می‌شود و در همه مناطق کشور نیروهای ماهر و

---

[۷] شریف، محمود؛ ۱۳۸۴، نظام‌های آموزشی کشورهای جهان، ص ٤٩

[۸] طالب زاده، محسن. فتحي و اجارگاه، کوروش ؛۱۳۸۹؛ مباحث تخصصي برنامه ريزي درسي، چاپ سوم؛ ص ٦١

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

متخصصی برای این منظور به حد کافی وجود ندارد. در این نوع نظام آموزشی کلیه اختیارات مالی در دست حکومت مرکزی است و بودجه استان‌ها و شهرستان‌ها را دولت مرکزی تعیین، تصویب و ابلاغ میکند. استان‌ها معمولاً متبع درآمدی برای هزینه‌های خود جز اعتبارات دولتی ندارند و میزان آزادی عمل در برآوردن نیازهای محلی و حل و فصل مسائل مالی و اداری برای مجریان برنامه‌های آموزشی در محل بسیار کم است، از این جهت مجبورند که دستورات مرکز را عیناً اجرا نمایند.[۹]

- نظام آموزشی نیمه متمرکز: نهاد آموزشی دارای تمامی اختیارات آموزشی نیست، بلکه در مواردی چون: محتوای مواد درسی، برنامه تحصیلی و برنامه زمانی تدریس، استان‌ها از برخی اختیارات برخوردارند که مبتنی بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و قرهنگی آنان می‌باشد. به عبارت دیگر در نظام نیمه متمرکز برخی ملاک‌ها به صورت متمرکز و برخی ملاک‌ها به صورت غیرمتمرکز انجام می‌شود. این نوع نظام آموزشی در کشورهائی دیده می‌شود که سعی در تمرکززدایی آموزشی دارند و به همین منظور درصدند نحوه عملکردشان را به گونه‌ای تغییر دهند که هر چه بیشتر به سمت تمرکززدایی نظام آموزشی خود پیش روند و بالاخره در نظام آموزشی غیرمتمرکز، کلیه تصمیمات در پایین ترین سطح یعتی در سطح کلاسی و مدرسه اتخاذ می‌شود و در سطوح بالاتر به تدریج تکمیل می‌شود، به طوری که برنامه آموزشی حاصله، نتیجه‌ای است از کل تصمیم هایی که در هر سطح با توجه به نیازها، شرایط و امکانات موجود در آن سطح و در هماهنگی و ارتباط با نیازها و امکانات در سطوح دیگر گرفته شده است.[۱۰] در نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز ارتباط به صورت دو طرفه و در تمام سطوح جریان دارد و امکان شرکت گروه‌های مختلف به خصوصی مجریان برنامه‌ها مانند مدیران، معلمان و دانش آموزان در اخذ تصمیم‌های مربوط به طرح و اجرای برنامه‌های آموزشی برای مدارسی موجود است.
- نظام برنامه‌ریزی آموزشی غیرمتمرکز: در این الگوی آموزشی، نظرات مسئولان و مجریان برنامه‌های آموزشی به خصوصی در زمینه مسائل و مشکلات اجرایی و کمیت و کیفیت امکانات و مواد آموزشی در سطح کلاس و مدرسه اثرات قابل توجهی در چگونگی تهیه و تنظیم برنامه‌های آموزشی به جای می‌گذارد و در حقیقت

[۹] مسعودیان، پریسا؛ ۱۳۹۳؛ مزایا و معایب برنامه ریزی متمرکز و غیر متمرکز در ایران؛ مقاله کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران؛ ص ۵
[۱۰] علاقبندی ،علی، ۱۳۸۶،مدیریت آموزشی ، ویراست دوم؛ ص ٥٤

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

برنامه تهیه و تنظیم شده منعکس کننده نظرات، راه حل‌ها و پیشنهادهای برنامه ریزان و مجریان برنامه‌های آموزشی است.[11]

به همین جهت امکان توجه به مختصات، نیازهای محلی و شرایط و امکانات موجود در مناطق مختلف یک کشور یا مدارسی مختلف یک منطقه و یا شهر، بیشتر از نظام برنامه‌ریزی آموزشی متمرکز موجود است. نکته قابل توجه در این نظام این است که به تفاوتهای فردی به خصوصی به ماهیت استعدادها، علائق و توانایی‌های یادگیرنده توجه کافی می‌شود. در این نظام یادگیرنده و یاددهنده، طراحان و مجریان اصلی و حقیقی یک برنامه آموزشی اند و ناشران خصوصی با توجه به راهنمایی برنامه درسی که وزارت آموزشی و پرورش منتشر کرده است (این راهنما شامل فلسفه اهداف برنامه، برنامه درسی، بودجه بندی زمانی برای تدریس موضوع، مثال‌های مربوط و میزان یادگیری قابل انتظار است.) اقدام به تهیه کتابهای درسی می‌کنند و ناحیه‌های مختلف آموزشی، متناسب با ذوق و علاقه و نیازهای خود، کتابهای متاسب را انتخاب می‌کتند و به مدارسی معرفی می‌نمایند.[12] البته هر مدرسه و یا حتی هر معلم می‌تواند به تنهایی کتاب مطلوب خود را برای تدریس انتخاب کند. البته در نظام برنامه‌ریزی آموزشی غیرمتمرکز به خاطر عدم تمرکز احتیاج بیشتری به هماهنگی فعالیتهای آموزشی در راه تحقق بخشیدن به هدفهای کلی جامعه موجود است ولی این احتیاج باعث نمی‌شود که مدارسی در راه رسیدن به هر یک از این هدف‌ها در قالبهای مشخصی، محدود و محصور شوند. بلکه به آنها این امکان را می‌دهد که با توجه به شرایط، امکانات و احتیاجات محلی و امکانات و متابع مالی و انسانی راه تحقق بخشیدن به آن، هدفها را خود انتخاب و دنبال کند.

لزوم اتخاذ رویکرد برنامه تمرکز گرا و نا متمرکز

در نظام‌های برنامه درسی غیرمتمرکز قدرت تصمیم‌گیری به دولتها، جوامع و مدارس محلی واگذار می‌شود و این واگذاری می‌تواند از تهیه کتابهای درسی تا تدوین سیاست‌های کلی امتداد پیدا کند. به نظر می‌رسد که تمرکز زدایی در آموزش و پرورش به طور اعم و برنامه‌ریزی درسی به طور اخص در دهه‌های گذشته یک روند جهانی

[11] فراستخواه، منصور،۱۳۸۹، مصاحبه براي كيفيت آموزش عالي، نشريه پيام آموزش ، ش ۸، ص ۲
[12] الواني ،مهدي،۱۳۸٦،ف رايند خط مشي گذاري عمومي، ص ٦٨

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که طی چند دهۀ اخیر در مباحث سیاسی و اقتصادی، تمرکز زدایی آموزشی در میان کشورهای جهان و نهادهای توسعۀ بین‌المللی اشتغال ذهنی جدی بوده است.[۱۳]

تصمیم‌گیری در نظام برنامه درسی ایران، مانند سایر شئونات آموزش و پرورش از اموری است که به شکل کاملاً متمرکز است و به همین دلیل، تشکیلات آموزش و پرورش در استان‌های کشور کوچک ترین نشانه ای که حاکی از عهده دار بودن وظیفه ای در این خصوص باشد، ندارد؛ اما نگاهی اجمالی و حداقلی به برنامه‌های توسعه ای وزارتخانه‌ها و سازمانها، از جمله آموزش و پرورش نشان از «راهبرد تمرکززدایی» در ساختارهای آنها دارد.[۱۴]

بر اساس آنچه ذکر شد، این پژوهش درپی بررسی این پرسش است که: با توجه به وضعیت موجود نظام برنامه درسی کشور، چه الگوی برنامه‌ریزی درسی برای توسعه آموزش کشور مناسب است و چه ویژگی هایی دارد؟ و تا چه میزان این الگوی طراحی شده از منظر اساتید دانشگاهی و کارشناسان آموزش و پرورش مورد تأیید می‌باشد؟

مرجعیت قدرت و سطوح تصمیم‌گیری در نظام برنامه درسی

بحث سطوح و مرجعیت تصمیم‌گیری در نظام برنامه درسی مورد توجه اغلب صاحبنظران قلمرو برنامه درسی بوده است. به همین خاطر، آنان الگوهای مختلفی برای تصمیم‌گیری شناسایی و ارائه نموده اند. گودلد در زمره نخستین نظریه‌پردازانی است که با مطرح ساختن سطوح تصمیم‌گیری در قلمرو برنامه درسی، کمک شایانی به شناخت پیچیدگی‌های این قلمرو نموده است. وی شش سطح آکادمیک[۱۵]، اجتماعی[۱۶]، رسمی[۱۷]، نهادی[۱۸]، آموزشی[۱۹] و تجربی[۲۰] را برای تصمیم‌گیری درباره برنامه‌درسی مطرح به «نظام آموزش مدرسه ای» مطرح می‌سازد.[۲۱]

---

[13] Leung, Frederick K.S (2004). "Educational Centralization and Decentralization in East Asia". Paper Presented at the APEC Educational Reform Summit. Beijing, China. P 17

[۱۴] فرجاد، محم دعلي؛ ۱۳۹۳؛ اصول برنام هريزي آموزشي و درسي. چاپ چهارم؛ ص ٤٦

[15] Academic

[16] Social

[17] Formal

[18] Institutional

[19] Instructional

[20] Experiential

[۲۱] مهرمحمدي، محمود ؛١٣٨٦ ؛ " مديريت هم زمان مدارج تمركززدايي در نظام برنامه ريزي درسي." فصلنامه مطالعات برنامه درسي. شماره ٤، ص ١٦

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بعدها این بحث در الگوی شکل بازسازی شده ای و در قالب هفت سطح مطرح گردید؛ یعنی سطح اجرایی ۷ نیز به آن افزوده شد. گرچه سطوح برنامه درسی در الگوی گودلد و کلاین بر اساس درجه دوری و نزدیکی به دانش‌آموزان (دانش آموز محوری) و تمرکز اصلی تصمیم‌های برنامه درسی نسبت به مرجعیت و کانون تصمیم گیری منظم شده‌اند، اما تصمیم‌های اخذ شده در هر سطح الزاماً بهتر یا دارای اولویت بیشتر نسبت به سطوح دیگر نبوده، بلکه مبین گرایش و تمایل به نظام برنامه درسی متمرکز و غیرمتمرکز می‌باشد.

برای مثال در نظامهایی که خاستگاه، منبع و منشاء تصمیم‌های برنامه درسی، سه سطح نخست (آکادمیک، اجتماعی و رسمی) می‌باشد می‌توان آن را نظامی متمرکز نامید. اما در نظامهایی که منبع و خاستگاه تصمیمات، سه سطح پایانی الگو (آموزشی، اجرایی و تجربی) است، می‌توان آن را نظامی غیرمتمرکز قلمداد نمود.[۲۲] برای مثال آخرین سطح این مدل یعنی سطح تجربی، معرّف توقعات دانش‌آموزان از برنامه درسی است و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از طریق واکنشهای مثبت یا منفی که نسبت به برنامه درسی نشان می‌دهند تصمیم‌گیری اصلی این عرصه بوده و به آن عینیت می‌بخشند. حال اگر در نظامی، این کنش ها، توقعات، نیازها و انتظارات دانش آموزان منبع و محور تولید و تدوین برنامه‌های درسی قرار بگیرد بی شک چنین نظامی، غیرمتمرکز است.

نگرش نظام آموزشی به سوی برنامه‌ریزی هدفمند

مروری بر ادبیات پژوهشها نشان داده است که در سالهای اخیر توجه به سمت تمرکززدایی در برنامه‌های درسی در حوزهٔ آموزش و پرورش بویژه برنامهٔ ملی درسی مطرح بوده است؛ برنامه درسی در عصر جهانی شدن باید در قالب تعلیم و تربیت شهروندی، تعلیم و تربیت اجتماعی، سواد اجتماعی، برنامه درسی درهم تنیده و جامعه یادگیرنده، در نظر گرفته شود؛ انطباق محتوای آموزشی برای مقابله با بعضی چالشهای به وجود آمده از طریق دنیای جهانی شده ضرورتاً نیاز به تدوین در برنامه درسی مانند برنامه درسی ملی را می‌طلبد.[۲۳]

با توجه به اینکه تغییر در نظام‌های آموزشی بسیاری از کشورهای جهان در حوزهٔ آموزش و پرورش با اجرای «سند ملی برنامه درسی» صورت گرفته و تجربیات آنها حکایت از مثبت بودن نتایج چنین برنامه ای داشته است؛

---

[22] Wong, Naikei, M (2004). Educational reform in Japan and Hong Kong: A comparative study of curriculum decentralization. University of Hong Kong (People's Republic of China), p 31

[۲۳] قهرمانی، محمد؛ ۱۳۹۰؛بررسی سیستمهاي برنامه ريزي آموزشی متمرکز و غیر متمرکز از دیدگاه مدیران مدارس؛ ص ۸٤

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

متخصصان برنامه درسی در نظام آموزشی نیزبرنامه درسی ملی ایران را تدوین نموده‌اند. تولید برنامه درسی ملّی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی، ارزش‌ها و اهداف تربیت اسلامی و با استفاده از توانمندی‌های بومی و ملّی و بهره برداری از تجربه‌های معتبر و موفق جهانی، در پاسخ به نیازها و مطالبات جامعه پویای ایران اسلامی، الگوی تازه ای از برنامه‌های درسی و تربیتی را ارائه می‌دهد و گامی مهم در راستای مستندسازی و کیفیت بخشی نظام تعلیم و تربیت کشور که عبارت است از:

- توجه به اهداف متعالی تربیتی و نیازهای متنوع فراگیران و جامعه برای پرورش انسانِ طراز جمهوری اسلامی ایران
- ترسیم نقشه جامع و کلان محتوایی دستگاه رسمی و عمومی تعلیم و تربیت، به عنوان بخش مهمی از مهندسی فرهنگی کشور
- نوسازی و بازسازی قالب ها، راهبردها و رویکردهای درسی و تربیتی
- ارائه الگویی منسجم، کارامد و اثربخش برای تولید- برنامه ها، مواد، رسانه‌ها و منابع آموزشی و پرورشی[۲۴]

اهدافی است که در تولید و تدوین برنامه درسی ملی کشور مدّ نظر بوده است. «برنامه ملی نقشهٔ راهنمایی درسی و چارت نظام برنامه‌ریزی درسی کشور برای تحقق رساندن اهداف آموزش و پرورش»است. [۲۵]

تاثیر نوع نظام آموزشی بر بازدهی آموزشی

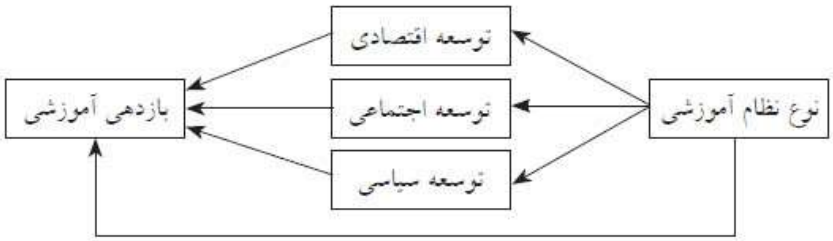
تمایل نظام‌های آموزشی به سیاستهای متمرکز یا غیرمتمرکز آموزشی به لحاظ مدیریت آموزشی، توزیع برنامه‌های درسی، برنامه‌ریزی آموزشی و سیاستگذاری تاثیر قابل توجهی بر بازدهی آنها دارد. به گونه‌ای که این تمرکز زدایی از نظام‌های آموزشی که به منظور بهبود بازدهی آموزشی و ارتقای استانداردهای آموزشی صورت می‌گیرد،بازدهی آموزشی کشورهای جهان را به گونه‌ای متمایز ساخته و تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین خصلت‌هایی چون: میزان تمرکز و استانداردهای گزینشی، زمان تفکیک و میزان تفکیک و تخصصی شدن نظام‌های آموزشی و ملاک‌های گزینش افراد آموزشی دیده در نظام‌های آموزشی می‌تواند موجبان ارتقا و افزایش بازدهی و کیفیت

[۲۴] قهرمانی، محمد؛ ۱۳۹۰؛ ص ۹۱
[۲۵] دبیرخانه طرح و تولید برنامه درسی، نگاشت پنجم؛ ۲۰۱۰

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آموزشی را فراهم نماید.[۲۶] به طور شاخص با توجه به مطالب فوق‌الذکر در حیطه تنوع برنامه‌ها نظام آموزشی، این این نکته حائز اهمیت است که در جوامع معاصر به خصوص در جوامع صنعتی، نظام‌های آموزشی غیرمتمرکز چند کارکرد اصلی را در جهت افزایش بازدهی آموزشی انجام می‌دهند:

۱. سعی می‌کنند کودکان را از حیث استعداد و قابلیت‌های هوشی گزینش نمایند.
۲. برای افراد با استدادهای مختلف، آموزش مناسب ارائه دهند.
۳. فضای بحث آزاد و مشارکت دانش‌آموزان در کلاس درس را تقویت کنند.
٤. افراد آموزش دیده و مجرب را به طور مستقیم و غیرمستقیم به نقش‌های شغلی در جامعه تخصص



دهند.[۲۷]

شکل ۱ – مدل مفهومی نوع نظام آموزشی

تحارب حاصله از چند کشور در حیطه نوع نظام و برنامه‌ریزی آموزشی

- نظام آموزش و پرورش فرانسه به لحاظ تاریخی شدیداً متمرکز بوده است. البته موارد محدودی از تصمیمات و مسئولیتهایی که قبلا دولت عهده دار آنها بوده است به دولتهای محلی واگذار گردیده است. فرانسه از سالها تمرکززدایی را به عنوان برنامه مهم به اجرا در آورده است و مسئولیت‌های مربوطه به نهادهای اجرایی عمومی دولت و سیاست محلی را اصلاح و تعیین نموده است هر چند، دولت کماکان نقش اصلی را ایفا می‌کند و ضامن خدمات عمومی مناسب و یکپارچگی و انسجام تحصیلی در فرانسه است. دولت همچنان مسئولیت تعیین چارچوب آموزش و برنامه‌ریزی تحصیلی را برعهده داشته و مثل گذشته، استخدام، آموزش و مدیریت کارکنان آموزش و پرورش عمومی را که بیش از ۱۰ درصد کل دانش‌آموزان را پوشش می‌دهد بر عهده دارد.

[۲۶] چلبی، مسعود؛ ۱۳۸۵؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش؛ ص ٤٦
[۲۷] چلبی، مسعود؛ ۱۳۸۵؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش؛ ص ۵۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تدریس و مدیریت دبیران خصوصی (تحت قرارداد) و نیز نظارت بر هزینه‌های عملکرد مؤسسات خصوصی نیز از مسئولیت‌های نظارتی کالج‌ها و دبیرستان‌ها در فرانسه است که کماکان دولت نقش نظارتی بر آنها دارد (برگرفته از وبسایت وبگیت)، دولت‌های محلی برای انجام رویه‌های اجرایی متناسب با نوع مؤسسات آموزشی از آزادی عمل برخوردارند. شهرداریها برای اداره مدارس کالجها و دبیرستانها در تمامی فرانسه مسئولیت دارند. براساس قانون تمرکززدایی ۱۳ اوت ۲۰۰۵ مسئولیت اداره امور کالج‌ها و دبیرستان‌ها در فرانسه بر عهده حوزه‌ها و مناطق قرار گرفته است.[۲۸] به نوعی می‌توان گفت که این کشور گرایش به سوی نظام نیمه متمرکز آموزشی دارد.

- نظام آموزشی سنگاپور در مواردی، شبیه ایران است. به طور مثال مردم سنگاپور به زبان‌های چینی، مالزیایی و هندی تکلم می‌کنند در حالی که زبان رسمی کشور، واحد است. هم چنین جمعیت جوان دانش آموزان در کشور سنگاپور، مشابه ایران است و نظام آموزشی متمرکز است. از مجموع همه مخارج دولت ۲۲ درصد آن صرف آموزش و پرورش، تدارک آموزش کودکان در مدرسه و فراهم کردن آموزش به تناسب توانایی‌های بالقوه هر دانش آموز است. توسعه برنامه درسی، انتخاب کتاب‌های درسی، آموزش و استانداردهای ارزش یابی، در وزارت آموزش و پرورش متمرکز شده اند.[۲۹]

- در کشور آمریکا در سالهای میانی ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ پیشرفت تحصیلی نامطلوب دانش آموزان، جدایی روز افزون معلم و دانش‌آموز در جریان یاددهی و یادگیری و عدم پاسخگویی برنامه‌ها به نیازهای یادگیرندگان،موجب شد که توجه به رویکرد تمرکززدایی در برنامه‌های درسی، بیش از هر زمان دیگری در دستور کار دست اندرکاران نظام‌های آموزشی قرار بگیرد. لذا این کشور حرکت تمرکزدایی از نظام آموزشی خود در دهه ۹۰ میلادی به سوی تامین مستقیم منابع به وسیله مدارس، ارتقای حقوق والدین برای انتخاب مدارس و تامین منابع مالی مدارس از طریق والدین را صورت داد. تحلیل ها، آن طور که مطرح می‌کنند، نشان داد که قانون مدارس چارتر در آمریکا از این دیدگاه پشیبانی می‌کند[۳۰]. همچنین سیاست گذاران و تصمیم‌گیران وزارت آموزش و پرورش آماده‌اند به مدارس متوسطه و عمومی و والدین در سطح محلی اقتدار بیشتری (به خصوص در زمینه تامین منابع مالی) ببخشند.

---

[28] European commission (Education, Audiovisual and culture executive agency). (2010). Organization of the education system in France 2009/2010. Retrieved from: www.Eacea.eu. P 4

[۲۹] قنادیان زهرا؛۱۳۹۳؛ سیستم آموزشی موجود در قاره کهن؛ فصلنامه مدیریت و توسعه؛ شماره۲۳؛ ص ۹

[۳۰] پروند،حسین؛ ۱۳۸۵؛ مقدمات برنامه ریزی آموزشی،چاپ چهارم، ص ۹۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

منابع و مراجع

۱. احسانی‌فر، محمد ۱۳۹٤؛ مدیریت استراتژیک(نسخه دیجیتال)؛ پایگاه علمی و پژوهشی ایران بوک

۲. پروند،حسین؛ ۱۳۸۵؛ مقدمات برنامه ریزی آموزشی،چاپ چهارم، انتشارات خورشید؛ تهران

۳. چلبی،مسعود؛ ۱۳۸۵؛ جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش؛ جزوه گروه جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران

٤. دبیرخانه طرح و تولید برنامه درسی، نگاشت پنجم؛ ۲۰۱۰

۵. شریف، محمود؛ ۱۳۸٤، نظام‌های آموزشی کشورهای جهان، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اداره کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی؛ تهران

٦. شیرازی، علی؛ ۱۳۸۵؛ مقدمات مدیریت آموزشی؛ انتشارات آیین تربیت؛ تهران

۷. طالب زاده، محسن. فتحی و اجارگاه، کوروش ؛۱۳۸۹؛ مباحث برنامه ریزی، چاپ سوم؛ نشر آییژ؛ تهران

۸. علاقبندی ،علی، ۱۳۸٦،مدیریت آموزشی ، ویراست دوم؛ انتشارات صدرا؛ تهران

۹. فتحی واجارگاه، کورش، ۱۳۹۲؛ برنامه درسی به سوی هویتهای جدید؛ انتشارات آبیژ؛ تهران

۱۰. فراستخواه، منصور،۱۳۸۹، مصاحبه برای کیفیت آموزش عالی، نشریه پیام آموزش ، ش ۸ تهران

۱۱. فرجاد، محم دعلی؛ ۱۳۹۳؛ اصول برنام هریزی آموزشی و درسی. چاپ چهارم؛ انتشارات الهام؛ تهران

۱۲. قنادیان زهرا؛۱۳۹۳؛ سیستم آموزشی موحود در قاره کهن؛ فصلنامه مدیریت و توسعه؛ شماره۲۳؛ تهران

۱۳. قهرمانی، محمد؛ ۱۳۹۰؛بررسی سیستمهای برنامه ریزی آموزشی متمرکز و غیر متمرکز از دیدگاه مدیران مدارس؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان؛ اصفهان

۱٤. گروه مشاوران یونسکو؛ ۱۳۸٦؛ فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی؛ ترجمه: مشایخ، فریده؛ نشر مدرسه؛ تهران

۱۵. گودرزی، محمدعلی. ۱۳۸۵، مطالعه و طراحی نظام برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای، گروه پژوهشی علوم تربیتی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران؛ تهران

۱٦. مالاسیس، لوئیس؛ ۱۳۷۷، آموزش برای توسعه؛ مترجم: اسدالله زمانی پور؛ مجتمع آموزشی عالی؛ تهران

۱۷. مرعشی، منصور؛ ۱۳۹۲؛ مقاله علمی پژوهشی «امکان سنجی تدوین نیمه متمرکز برنامه درسی دوره ای ابتدایی از لحاظ منابع انسانی و از دیدگاه کارشناسان براساس برنامه درسی ملی»؛ گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز؛ اهواز

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱۸. مسعودیان، پریسا؛ ۱۳۹۳؛ مزایا و معایب برنامه ریزی متمرکز و غیر متمرکز در ایران؛ مقاله کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران؛ دانشکده فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد تهران مرکز؛ تهران

۱۹. ملکی، حسن؛ ۱۳۹۰؛ برنامه ریزی درسی(راهنمای عمل)؛ انتشارات پیام اندیشه؛ مشهد مقدس

۲۰. مهرمحمدی، محمود ؛۱۳۸٦؛ «مدیریت هم زمان مدارج تمرکززدایی در نظام برنامه‌ریزی درس». فصلنامه مطالعات برنامه درسی. شماره ٤، تهران

۲۱. الوانی، مهدی،۱۳۸٦،فرایند خط مشی گذاری عمومی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی؛ تهران

۲۲. یار محمدیان، محمدحسین و همکاران؛ ۱۳۸۱؛ امکان سنجی و راهکارهایی برای غیرمنمرکز کردن نظام آموزشی و تفویض اختیارات، فصلنامهٔ دانش و پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (علوم تربیتی و روانشناسی)؛ سال چهارم، شماره١٤؛ اصفهان

- Asareh, A ۲۰۱۲, Globalization and national curriculum development . Journal of Curriculum Studies. No. ۲۵, Pp. ۶۷-۹۴. { in Persian}
- European commission (Education, Audiovisual and culture executive agency). (۲۰۱۰). Organization of the education system in France ۲۰۱۰/۲۰۰۹.
- Henson,Kenneth T. (۱۹۹۸). Curriculum Development for Education Reform, New
- Izadi, Samad (۲۰۱۵). Designing a semi-centralized model for the curriculum. Tehran: Tarbiat Modarres University.
- Leung, Frederick K.S (۲۰۰۴). "Educational Centralization and Decentralization in East Asia". Paper Presented at the APEC Educational Reform Summit. Beijing, China.
- Mousapour, Nematollah (۲۰۰۶). Proceedings of the Conference process of centralization and decentralization in the curriculum
- Myrdal . G , ۱۹۶۷. economic theory under developed region . new york
- pantheon , Naderi A, seif naraghi, M ۲۰۱۳, Research methods and the evaluation of Humanities, Tehran Arasbaran publication. { in Persian}.
- Wong, Naikei, M (۲۰۰۴). Educational reform in Japan and Hong Kong: A comparative study of curriculum decentralization. University of Hong Kong (People's Republic of China), York: Longman Inc,

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]